

نگوئیم ما « به ما چی »

وطن ویرانه ای دست غدار است
 مردم هر دم شهید، و خوار و زار است
 هزاران کشته، در هر گوشه بینی
 بدی از مزدور بی ننگ و عار است
 نه نان، نه خانه، نه دارو، نه درمان
 خطر هر لحظه، دل ها بی قرار است
 ز نند دامن نفاق، سودش ربایند
 ز دویی، انفجارها بی شمار است
 شمال و شرق، جنوب و غرب کشور
 به خاک و خون ز دست چند طرار است
 با این حالت، سکوت شرم است و طنندار
 (به ما چی) گفتن ها، چون زهرمار است

اگر آن ناکسان گویند (به ما چی !!؟)

سرشان با عدالت، پای دار است

شود آزاد وطن، دلشاد مردم

چشم (ناتور) تا آن روز انتظار است

